

رہبران مشروطہ

جزوہ چہارہم

میرزا نصر اللہ خان

مشیر الدولہ

از :

ابراہیم صفائی

ct
۲۴۹۸

چاپ دوم

۳۰ ریال

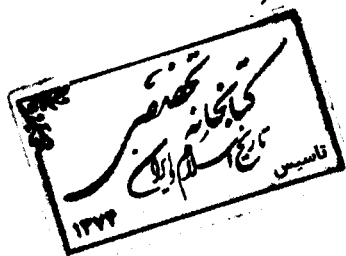
رہبران مشروطہ

جزوہ چہارہم

اسکن شد

میرزا نصر اللہ خان

مشیر الدولہ



از :

ابراہیم صفائی

کتابهای مستند این جزوه

- | | |
|--|---|
| <p>۱۴- کتاب نفت - همایونفر</p> <p>۱۵- طلای سیاه یا بلای ایران - لسانی</p> <p>۱۶- کتاب سیاه - مکی</p> <p>۱۷- انقلاب نفت - قدیمی</p> <p>۱۸- غوغای نفت - زهتاب فرد</p> <p>۱۹- انقلاب ایران - برون</p> <p>۲۰- مقدمه انقلاب مشروطه - تقی زاده</p> <p>۲۱- عین الدوله ورژیم مشروطه - داودی</p> <p>۲۲- روزنامه شرف</p> <p>۲۳- مقدمه جلد اول ایران باستان</p> <p>۲۴- مشیرالدوله - پاریزی</p> <p>۲۵- انقلاب مشروطیت - ملکزاده</p> <p>۲۶- تاریخ پرنس دانش</p> | <p>۱- بیداری ایرانیان - ناظم الاسلام</p> <p>۲- زندگانی من - مستوفی</p> <p>۳- تاریخ مشروطه - کسروی</p> <p>۴- تاریخ ایران - سایکس</p> <p>۵- کتاب آبی</p> <p>۶- خاطرات و خطرات - هدایت</p> <p>۷- حیات یحیی - دولت آبادی</p> <p>۸- روابط ایران و انگلیس در قرن ۱۹</p> <p>۹- طرائق الحقایق - نائبالصدر</p> <p>۱۰- عصر بی خبری - تیموری</p> <p>۱۱- خاطرات سیاسی امین الدوله</p> <p>۱۲- سفرنامه اول و دوم مظفرالدینشاه</p> <p>۱۳- پنجاه سال نفت ایران - فاتح</p> |
|--|---|

« میرزا نصرالله » ، جوان خود ساخته نائینی ، فرزند آقامحمد از متوسطان نائین بود ، آقامحمد فرزند میرزا ابوطالب و ابوطالب پسر حاجی عبدالوهاب میباشد که اهل یزد بوده و در سلك درویشان و مرتاضان در آمده در نائین مسکن گزید و پس از مرگش با مر محمد شاه قاجار در مصالای نائین برای او آرامگاهی ساخته اند و به « پیر نائین » شهرت یافته و بواسطه همین انتساب ، خاندان مشیرالدوله بنام خانوادگی « پیرنیا » نامبردار شدند .

میرزا نصرالله که خط و ربط متوسطی آموخته و گمان استعدادی در خود میبرد ، در آغاز جوانی جلای وطن کرده راه طهران را در پیش گرفت ، در این هنگام که سن او سه بیست سال نرسیده بود ، تهدستی وی چندان بود که پیاده قسمتی از راه نائین به طهران را پیمود و در بین راه اصفهان بقم با کاروانی همراه شد و کاروانیان باو محبت کرده وی را با خود بطهران آوردند ، (در حدود ۱۲۸۲ ق) .

میرزا نصرالله با دست خالی و بی پشت و پناه چند روزی طهران را گردش کرد و برای بدست آوردن لقمه نانی نقشه ها کشید ، عاقبت بر آن شد که بشغل کاغذ نویسی مشغول شود (۱) و گذران یومیه را تأمین کند و منتظر سر نوشت و حوادث باشد . « حاجی پیرزاده » درویش قلندر که با او منسوب بود در این هنگام در صفائیه طهران منزل داشت . روزی گذارش بمسجد شاه افتاد ، میرزا نصرالله کاغذ نویسی را دید و

اورا بسیار سرزنش کرده بوی دستور داد که فوری بنائین مراجعت کند و بیست و پنج ریال باو خرج سفر داد .

میرزا نصرالله تردید داشت چکند؟ بنائین بر گردد ؟ یاد رطهران بماند ؟ بالاخره استخاره کرد ، استخاره رفتن نائین را راه نداد ، در همین اوقات شبی حاج محمد حسن جد مادریش را (که او نیز از درویشان وارسته مقیم نائین بود) بخواب دید که کیسه کوچکی بدست وی داد ، کیسه را گشود ، محتوی سه مهر بود ، مهر وزارت لشکر ، مهر وزارت خارجه ، مهر صدارت ایران ، میرزا نصرالله صبح که از خواب برخاست از خوشحالی در پوست نمیگنجید و این خواب را با استخاره که شده بود کاملاً مناسب یافته بآینده خود امیدوار شده و بکار کاغذ نویسی ادامه داد ، در آن زمان که بیسوادی تقریباً عمومی بود همان خط و سواد متوسط که میرزا نصرالله داشت میتوانست مرکب ترقی او باشد ، همینطور هم شد و پس از یکسال با ماهی پانزده قران حقوق در سلك نو کران آصف الدوله درآمد (۱) . سه سال در دستگاه آصف الدوله خدمت کرد ، سپس آصف الدوله او را بمیرزا سعید خان مؤتمن الملك وزیر امور خارجه معرفی کرد و در سال ۱۲۸۵ با شغل ثباتی و ماهی شش تومان حقوق بعضویت وزارت امور خارجه درآمد . پس از سه سال خدمت در وزارت خارجه بسمت منشی میرزا ابراهیم خان نائب الوزاره معاون کارگزاری آذربایجان عازم تبریز شد ، در تبریز زندگی او سروسامانی یافته و در سال ۱۲۹۰ ق با دختر حاج میرزا تقی آجودان کارگزاری آذربایجان عروسی کرد .

در ۱۲۹۷ پس از فوت میرزا ابراهیم خان نائب الوزاره ، میرزا نصرالله بطهران احضار شد و با زن و سه فرزند خود «حسن و حسین و علی پیرنیا» بطهران آمد و پس از چند ماه بسمت نیابت سوم در وزارت خارجه منصوب و کلمه «خان» هم بدنبال اسم او افزوده گردید .

اطاعت و ادب و صداقت و فرمانبرداری محض و محرم راز بودن ، صفاتی بود که در این جوان نائینی بروز کرد و او را مورد توجه رؤساء مافوقش قرار داده راه پیشرفت را برای وی هموار نمود .

در ۱۲۹۹ بمقام نیابت دوم وزارت امور خارجه نائل شده سپس مدیر اداره روس شد و آشنائی او با ماموران سیاسی آغاز گردید .

در ۱۳۰۳ بتقاضای میرزا یحیی خان مشیرالدوله (وزیر خارجه وقت) از طرف ناصرالدینشاه ، لقب «مصباح الملک» باو داده شد و نیابت اول وزارت خارجه ارتقا یافت ، در این سال پسران خود حسن و حسین و علی را برای تحصیل باروپا اعزام داشت ، علی جوان مرگی شد ولی حسن در روسیه و حسین در پاریس تحصیلات عالی کردند و بعدها در ایران بمقامات بزرگ رسیدند .

در سال ۱۳۰۸ باستدعای میرزا عباسخان قوامالدوله لقب «مشیر الملک» بودی داده شد و کم کم مورد توجه و شناسائی شاه و رجال واقع گردیده با اتابک صدر اعظم وقت ارتباطی بهم رسانید .

اتابک مرد قدرت طلب که میخواست همه کارهای کشور در دست اقتدار او باشد ، در همه وزارتخانه ها با افراد مطیع و فرمانبردار احتیاج داشت ، مشیر الملک هم از همان فرمانبردارانی بود که اتابک میخواست .

قوام الدوله وزیر خارجه هم زیر بار قدرت اتابك نمیرفت ، بهمین دلیل اتابك برای آنكه كارهای وزارت خارجه را در دست خود داشته باشد، مشیرالملک را حمایت و تقویت کرد ، و در حقیقت او در وزارت خارجه (بقول ناظم الاسلام کرمانی) سمت نوکری اتابك را داشت (۱) او باهمان خصوصیات اخلاقی و اطاعت محض هر روز بیشتر در خاطر اتابك راه جست و گذشته از کارهای وزارت خارجه واسطه انجام کارهای دیگر از امور کشور گردید و راه مداخل برایش باز شد. (۲)

در ۱۳۱۰ ق به پیشنهاد اتابك به لقب امیرتومانی و نشان تمثال همایون و يك جبه ترمه و حمایل سرافراز گردید و مدیر کل وزارت خارجه شد ، رفته رفته زندگی مشیرالدوله رنگ اشرافی گرفت ولی او صرفه جو و ممسك بود، تظاهر بثروت نمیکرد ، در استفاده و مداخل هم محتاط بود ، کوشش داشت که بچهره حق بجانب او غبار تهمت و افترائی ننشیند، اما همانقدر که از تظاهر بثروت خودداری داشت، بزهد و عبادت خود نمائی میگرد و نماز را در دفتر کار خود میخواند و مراجعان وی ساعتها منتظر میشدند تا نماز مشیر الملک تمام شود و سپس با او وارد صحبت شوند .

مشیر الملک مراتب ترقی را پشت هم پیمود تا در ۱۳۱۳ ق . رسماً معاون وزارت امور خارجه شد . در جمادی الثانی ۱۳۱۴ که اتابك از صدارت برکنار شد و بقم رفت و کابینه بدون صدراعظم با ریاست سنی مخبر الدوله و تحت نفوذ فرمانفرما تشکیل گردید، فرمانفرما مشیرالملک را بسمت «وزارت لشکر» بوزارت جنگ منتقل نمود ، با

توجه با استفاده جوئیهای فرمانفرما و اطاعت و فرمانبرداری و رازداری مشیر الملک، میتوان دلیل این انتصاب را دریافت، وزارت لشکر بمنزله اداره کل دارائی ارتش بود و تمام هزینه و بودجه قشون در آن اداره متمرکز و زیر نظر وزیر لشکر خرج میشد، وزیر لشکر عدهئی لشکر نویس داشت که هر کدام ناظر بر مخارج یکی از واحدهای نظامی بودند، این مقام نیز برای مشیر الملک خیلی سودمند واقع شد، او هم از فرمانفرما، هم از وجیه الله میرزا، که پس از وی وزیر جنگ شد، اطاعت میکرد و هم با معیر الممالک وزیر مخازن عسکری که خرج مهم نظامی بدست او سازش داشت.

امین الدوله که در ۱۳۱۵ بصدارت رسید بواسطه اصرار فرمانفرما و هم بمناسبت مسالمت مشیر الملک او را در وزارت لشکر ابقا نمود، پس از آنکه امین الدوله بعلت کار شکنی های اطرافیان مظفرالدین شاه مجبور باستعفا شد و نقشه های اصلاحی حکم آرزوهای بر باد رفته پیدا کرد (۱۵ محرم ۱۳۱۶ قمری) میرا محسن خان مشیر الدوله، وزیر خارجه و سرپرست دولت شد ولی عمر زمامداری او دیری نپایید شاه بسفارش روسها اتابک را از قم احضار و صدارت ایران را باو تفویض نمود، میرزا محسن خان مشیر الدوله کما فی السابق وزارت خارجه را بعهده داشت، ولی اتابک در اندیشه بود که وزارت خارجه را بدست مرد مطیع بسپارد بخصوص که قرضه ها و قراردادهای پیش بود، تهیه قرض ظاهراً برای بهبود وضع اقتصادی کشور و معناً برای مسافرت شاه بفرنگستان و پر کردن جیب و تفریح اطرافیان او بود، اتابک به

پرنس ارفع الدوله دانش ، سفیر ایران در روسیه که از نوکسران فرمانبردار بود دستور داد برای استقرار با دولت روسیه وارد مذاکره شود ، مذاکرات با سرعت انجام شد .

قرضه اول بمبلغ بیست و دو میلیون و نیم منات طلا (در حدود پنجاه میلیون تومان) با سود صدی پنج بمدت هفتاد و پنج سال با گرو رفتن تمام گمرک ایران (باستثنای گمرک جنوب) مورد موافقت دولت روس واقع شد ، در همین احوال میرزا محسن خان مشیرالدوله وزیر خارجه مریض شد و برای معالجه با اروپا رفته در پاریس در گذشت و اتابک « مشیرالملک » مطیع و فرمانبردار را برای وزارت امور خارجه ، که در آن موقع حساس ترین کار کشور بود ، در نظر گرفت و لقب مشیر الدوله را هم از شاه برای او درخواست کرد ، (۱۳۱۷ ق) .

با انتصاب مشیرالدوله بوزارت خارجه کار قرضه بدست او افتاد ، گرچه آمر اتابک و عامل اصلی پرنس ارفع الدوله بود که کار را با « کنت مورادیف » وزیر خارجه روسیه تمام کرد ولی بهر حال وزیر خارجه هم در انعقاد و امضاء قرارداد و مذاکرات با سفارت روس نقش عمده و اساسی بعهده داشت و این نقش را مشیرالدوله ایفا میکرد و بقول تقی زاده « آلت فعل » بود ، فعلی که از ثمره آن ملت متضرر و دولتیان و درباریان مظفر الدینشاه بهره مند شدند .

مشیرالدوله وقتی وزیر خارجه شد ، فرزند ارشدش میرزا حسن خان را (که مدرسه سیاسی و نظامی مسکو را طی کرده و قرار بود در سفارت ایران در روسیه مشغول شود) بطهران خواست و او را بریاست

دفتر وزارت خارجه منصوب کردم (۱) ضمناً میرزا حسن خان بسمت منشی اتابک نیز برگزیده شد و لقب مشیر الملک گرفت و در سفر اول مظفر الدینشاه بفرنگ جزو همراهان شاه بود.

از کارهای خوب و قابل ذکر مشیرالدوله تأسیس مدرسه علوم سیاسی بود که در اواخر شعبان ۱۳۱۷ قمری برای تقویب سازمان وزارت خارجه تأسیس نمود، طرح ایجاد این مدرسه را او باتابک داد، پس از تصویب شاه و اتابک مدرسه علوم سیاسی در محل دارالفنون افتتاح گردید و سالی چهار هزار تومان از درآمد معادن فیروزه خراسان برای بودجه آن منظور شد، گرچه ابتکار این فکر از میرزا حسن خان پسر مشیرالدوله بود ولی کوشش او این فکر را جامه عمل پوشانید و عده‌ئی از جوانان با استعداد ولایق در این مدرسه وارد شدند که کادر سیاسی وزارت خارجه را تقویت نمودند و بعضی از آنها بمقامات عالی رسیده منشأ خدماتی شدند.

باری، با قرضه اول از روسها سیاست خارجی ایران طور دیگر شد، یعنی توازن سیاسی از دست رفت و ایران یک دولت متمایل به روس یا در دست روس، معرفی شد و روس ها عملاً بر قسمتی از خاک ایران یکنوع حق حاکمیت بدست آوردند.

این قرار داد لطمه بزرگی بنفوذ سیاسی دولت انگلستان نیز تلقی میشد ولی وزارت خارجه ایران از این مسائل فارغ البال بود و

۱- همچنانکه در ۱۳۲۴ق «علاء السلطنه» وقتی بوزارت خارجه رسید فرزند نخواستہ اش «میرزا حسینخان» (علاء) را بدون استحقاق و بریاست دفتر وزارت خارجه منصوب کرد و برای او لقب معین الوزاره گرفت.

کور کوران‌ه اوامر شاه و صدر اعظم را اجرا میکرد .

در سال ۱۳۱۹ قمری قرضه دوم که قریب دوازده میلیون تومان میشد از روس‌ها گرفته شد ، میرزا حسن خان مشیرالملک در اینوقت وزیر مختار ایران در روسیه بود و در کار قرضه دوم پدر و پسر هر دو شرکت داشتند . ظاهراً این مبلغ هم برای بهبود وضع اقتصادی کشور بود ولی عملاً قسمتی از این پول را بزرگان دولت و دربار بعنوانین مختلف خوردند و قسمتی هم بمصرف بعضی از کارهای اداری و دولتی رسید و يك سوم آن برای مسافرت اروپا تخصیص داده شد تا رجال دلسوز! با این پول که با گرو گذاشتن مملکت بدست آمده بود تفریح کنند .

قرضه دوم دوشروط دشوار دیگر همراه داشت ، یکی واگذاری امتیاز خط سوق الجیشی راه آهن جلفا بقزوین بیاك استقراری روس ، دیگر تغییر تعرفه گمر کی ، تغییر تعرفه گمر کی بضرر کامل ایران بود زیرا حقوق گمر کی واردات روسیه بایران بمیزان قابل ملاحظه‌ئی تنزل کرد ، مثلاً صدی پنج عوارض گمر کی نفت شوروی به صدی يك و نیم و صدی پنج عوارض گمر کی شکر به صدی دو و نیم تقلیل یافت (۱) . این قرار داد که «نوز» وزیر گمرک عامل انعقاد آن بود بطور محرمانه در نوامبر ۱۹۰۱ م (۱۳۱۹ ق) بسته شد و در فوریه ۱۹۰۳ م (۱۳۲۰ ق) بمرحله اجرا درآمد و شرائط و متن آن در روزنامه‌های روسیه منتشر شده باعث خشمودی روسها و اعتراض انگلیسها گردید ،

در نتیجه در ۱۱ ذی قعدة ۱۳۲۰ قراردادی هم برای تغییر تعرفه گمرکی
بنفع انگلیسها بسته شد که آنها هم ناراضی نباشند ! (۱)

قرارداد داری :

مهمترین قرار دادی که مشیرالدوله عاقد آن بود ، قرار داد
داری است ، در این قرار داد هم منافع ایران رعایت نشد ، این قرار
داد بعدها پایه تحولات مهم سیاسی ایران و منبای تمدید و تجدید قرار
دادهای بعدی گردید و در تاریخ اقتصاد و سیاست ایران حائز کمال
اهمیت است ، بهمین مناسبت اقتضا دارد در اینجا شرح کوتاهی از تاریخ
این قرارداد و تاریخ استخراج نفت در ایران یاد آور شویم .

نفت از هزاران سال پیش در ایران معروف بوده ولی تا زمانی
که داری امتیاز آنرا گرفت استخراج نفت صورت فنی و عملی نداشت
و فقط در بعضی نقاط از چشمه‌های كوچك نفت كه در سطح خاك
میجوشید مردم بطریق بسیار ابتدائی استفاده میکردند ، تا اواخر زمان
قاجاریه بیشتر نفت مورد نیاز ایران از روسیه وارد میشد .

چندین سال قبل از تنظیم قرار داری « مرگان » باستانشناس
فرانسوی که مسئول حفاریهای شوش بود شرحی در «مجله معادن» پاریس
راجع بوجود نفت در جنوب و غرب ایران نوشت و مخصوصاً از نقطه
نفت خیز « نفتون » در مسجد سلیمان نام برد (۲) .

اتفاقاً يك نفر ارمنی ایرانی معروف به « کتابچی خان » که

(۱) ص ۳۹۱ عصر بی‌خبری و ص ۵۴۲ تاریخ ایران

(۲) ص ۲۵۴ پنجاه سال نفت ایران و ص ۲۵ تاریخ انقلاب نفت ایران

مأمور گمرک جنوب بود، آن مقاله را خواند و برای تحقیقات بیشتری
 بغرب و جنوب ایران مسافرت نمود تا آنکه در مسجد سلیمان در
 نزدیک معبد ویرانه عیلامیان در محل معروف بمیدان نفتون، چشمه
 كوچك نفت را كه از سطح زمین در ته دره‌ئی میجوشید دید و صحت
 عقیده «مرگان» براو ثابت شد (۱) کتابچی خان چون مدت‌ها در اروپا
 بسر برده و با اهمیت صنعت نفت از لحاظ اقتصادی واقف بود برای بدست
 آوردن يك سود کلان كمر همت بمیان بست و بمنظور پیدا کردن مشتری
 برای نفت ایران راه اروپا را درپیش گرفت، او در پاریس بملاقات
 «سرهانری دوموندولف» وزیر مختار سابق انگلستان در طهران موفق
 شد (۲) و با او مطلب را در میان نهاده از وی یاری خواست، هانری
 كه خود اطلاعاتی در این زمینه داشت و سود ملی و شخصی خودش را
 در اینكار احتمال میداد از پاریس بلندن رفته با «ویلیام نو كس داری»
 وارد مذاكره شد.

داری اصلا انگلیسی و در رشته حقوق درس خوانده بود و
 در هفده سالگی باتفاق پدرش كه وکیل دادگستری بود باسترالیا
 مهاجرت کرده پس از انجام تحصیل در دفتر و كالت پدرش كار می‌كرد،
 بعد از چند سال در اثر يك پیش آمد مساعد از سهامداران معروف طلای

-
- ۱- این چشمه نفت هنوز در دره‌ئی كه، زیر تپه محل نخستین چاه
 نفت داری، واقع شده وجود دارد و مقدار مختصری نفت خام از آن بر سطح
 دره جاری است، این محل از قرن‌ها پیش به «نفتون» معروف بوده است.
 - ۲- سردومندولف در اواخر عهد ناصرالدین‌شاه چند سال وزیر مختار
 انگلستان در طهران بوده و در ۱۳۰۶ قمری بانگلستان بازگشت.

«مونت مورگان» شد و وکالت داد گستری را ترك گفت .

دارسی کنا بچی خان را بلندن خواست و پس از حصول اطمینان دو کارشناس بنام «برلز» و «والنت» تحت نظر «ماریوت» نماینده خود باتفاق کنا بچی خان بایران اعزام نمود . و برای مخارج مقدماتی پانصد هزار لیره در اختیار ماریوت و کنا بچی خان گذاشت و سفارشنامه‌ئی برای «سراتورهارینگ» وزیرمختار انگلیس فرستاد ، وزارت خارجه انگلیس هم دستوری بوزیر مختار خود نوشت و از او خواست که در عقد قرارداد نفت تسهیلات لازم را فراهم آورد (۱) .

ماریوت و کنا بچی خان لدی الورود بوسیله سفیر انگلیس به مظفرالدینشاه پیشنهاد خود را باتقدیم يك پیشکشی عنوان نمودند ، اما مظفرالدینشاه بواسطه ملاحظه روسها قبول نکرد ، سفیر انگلیس ناچار مساعدت اتابك را جلب کرد و بتطمیع رجال دولت پرداخت (۲) اتابك جریان را بسفارت روس نیز اطلاع داد ، ولی بدون آنکه منتظر جواب آنها باشد شتابزده قراردادی با نظارت مشیرالدوله وزیر خارجه و نظام‌الدین خان غفاری مهندس الممالك وزیر معادن بفارسی و فرانسه تنظیم کرد ، این قرارداد پس از امضاء اتابك و توشیح شاه بشماره ۸۹۲ وزارت خارجه ثبت گردید ، (صفر ۱۳۱۹ ق م ۱۹۰۱ م) .

قرارداد شامل فصول مختلف بود و بموجب آن علاوه برحق اکتشاف در جنوب ، معادن نفت شوشتر و قصر شیرین و دالکی که چاه نفتش سالی ده هزار تومان بدولت بهره میداد نیز جزو قرارداد شد ،

تنها منابع آذربایجان و منابع سراسر شمال ایران استثنا گردید .

در فصل هشتم و نهم و دهم و شانزدهم قرارداد تصریح شد که «داری» در ظرف دو سال برای بهره برداری از امتیاز مزبور مکلف است شرکتی تشکیل دهد و بیست هزار لیره نقد و بیست هزار لیره سهام به دولت ایران بلاعوض واگذار نماید و صدی ۱۶ منافع نیز از آن دولت ایران باشد ، در فصل هفتم تمام لوازم مورد احتیاج که وارد کشور میشد و تمام محصولات که خارج میگردد از عوارض گمر کی معاف شد ، با امضای این قرارداد کتابچی خان حق دلالی کلانی گرفت و در اروپا زندگی مرفهی برای خود تأمین کرد ، اتابك و مشیرالدوله و مهندس الممالك هريك ده هزار لیره نقد رشوه (یا حق الزحمه) گرفتند و جمعی دیگر از رجال دولت و دربار نیز سبیلی چرب کردند . (۱)

چند ماه پس از امضای امتیازنامه ، داری عده ئی حفارلستانی با لوازم و اثاثیه مورد نیاز بچاه سرخ در شمال قصر شیرین فرستاد ، در ۱۹۰۳ (۱۳۲۱ ق) نخستین چاه قصر شیرین در عمق ۵۰۷ متر به نفت رسید ، چند ماه بعد محصول چاه دوم بدست آمد ، اما چون نفت این دو چاه خیلی کم بود نمایندگان داری بدستور او چاه سرخ را رها کرده منطقه عملیات خود را به جنوب ایران منتقل کردند .

در همین سال طبق ماده ۱۶ امتیازنامه داری ، نخستین شرکت استخراج نفت بنام « شرکت بهره برداری اولیه » با سرمایه شش صد هزار لیره انگلیسی تشکیل شد و مطابق قرارداد بیست هزار لیره نقد

و بیست هزار لیره سهام بدولت ایران وا گذارشد . بنا بتعهدی که قبلاً سپرده بودند معادل ده هزار لیره سهام به «اتابك» و پنج هزار لیره به «مشیرالدوله» و پنج هزار لیره بمهندس الممالك حق العمل دادند که منبع ثروتی برای خاندان آنها شد ، بعدها که سهام شرکت در بورس لندن ترقی کرد ورثه اتابك و مهندس الممالك سهام خود را فروختند ولى فرزندان مشیرالدوله تا پایان عمر سهام خود را در اختیار داشتند (۱) .

در این اوقات داری برای توسعه بیشتر کار شرکت با چند کمپانی فرانسوی و آلمانی وارد مذاکره گردید ، همزمان این مذاکرات «دریاسالار فیش» بفرماندهی نیروی دریائی انگلیس منصوب شد (۱۹۰۴) و برای آنکه سوخت کشتیهای انگلیسی بوسیله نفت تأمین شود بر آن شد که امتیاز نفت را از داری بگیرد ، بهمین منظور هیئتی بریاست «مستر پرتی من» مأمور مذاکره با داری شد ، اما چون عقیده دولت انگلیس در آنوقت مبنی بر عدم مداخله در کارهای تجارتی بود ، خریدن امتیاز ممکن نشد ، لهذا تصمیم بتقویت داری گرفتند ، در نتیجه «شرکت نفت برمه» که يك شرکت انگلیسی بود بكمك داری شتافت و در سال ۱۹۰۵ شرکت جدیدی بنام «شرکت امتیازات» در شهر «کلاسو» اسکاتلند تشکیل گردید وقائم مقام شرکت بهره برداری اولیه شد و امتیاز نامه وسهام بهره برداری بدست او افتاد (۲) .

شرکت جدید عملیات اکتشافی خود را بمنطقه «ماماتین» نزدیک

۱ - ص ۲۵۴ پنجاه سال نفت ایران .

۲ - ص ۵۴ طلای سیاه و ص ۲۵۲ پنجاه سال نفت ایران .

رامهرمز منتقل کرد ، دوچاه هم بعمق ۶۶۱ و ۵۹۱ متر زدند ولی ایندو چاه هم مثل چاه سرخ قصر شیرین بی نتیجه بود .

در وقتی که شرکت جدید در « ماماتین » مشغول کار بود سخت گرفتار مزاحمت بختیاریها شد ، غالب اوقات بختیاریها بمأموران و کارگران شرکت حمله کرده آنها را لخت کرده و پول و اثاثشان را بغارت می بردند ، دولت ایران هم که طبق قرارداد مکلف بایجاد امنیت در مناطق مورد عمل شرکت بود ، قدرتی نداشت تا بتعهد خود عمل کند ، شرکت ناچار برای رفع مزاحمت بختیاریها دویست نفر سرباز هندی با چند افسر انگلیسی برای امنیت باین ناحیه آورد و ضمناً کوشش کردند که بختیاریها را از منافع آینده نفت مطلع ساخته و آنها را تطمیع نمایند ، (۱) با این تطمیع و با حضور سربازان مسلح هندی خانهای بختیاری مزاحمت را کم کردند ولی باز سرقتها و مزاحمت های کوچک از طرف افراد بختیاری بوجود می پیوست .

وقتی عملیات اکتشاف و استخراج در منطقه « ماماتین » موقوف شد ، شرکت محل کار خود را بمنطقه « نفتون » منتقل کرد ، (این منطقه همان دره ایست که در زیر معبد قدیمی عیلامیان در مسجد سلیمان واقع شده و قرنها است چشمه کوچک نفت در آنجا میجوشد) .

عملیات در منطقه نفتون شروع شد و در پنج خرداد ۱۲۸۷ شمسی (۲۶ مه ۱۹۰۸) متع حفاری صخره عظیمی را که روی منبع نفت بود شکست و نفت با فشار عجیبی شروع بجستن کرد .

عمق این چاه سیصد و شصت متر بود و مهندس حفار آن « زینولدز »

نام داشت ، میزان استخراج از این چاه ۳۶ هزار لیتر در روز بود، چاه دوم در نزدیکی همین محل در عمق ۳۰۷ متر بنفقت رسید ، کشف این دومین منبع عظیم مشکلات مالی شرکت را حل کرد ، پس از آنکه اهمیت منابع نفتی ایران معلوم شد در آوریل ۱۹۰۹ شرکتی بنام « شرکت نفت انگلیس و ایران » با سرمایه دویلمیون لیره در لندن تشکیل گردید و حقوق امتیاز داری و سهام « شرکت بهره برداری اولیه » و « شرکت امتیازات » را بدست آورد و استفاده از منابع نفت خیز جنوب و غرب ایران در انحصار او در آمد .

بختیاری ها برای گرفتن پول در اینجا هم بصدد مزاحمت بر آمدند ، ناچار شرکت با آنها چند قرار داد منعقد نمود و شرکت نفت بختیاری با سرمایه چهار صد هزار لیره در لندن تشکیل گردید و از طرف شرکت نفت ۱۲ هزار لیره مجاناً به حساب خانهای بختیاری گذارده شد (۱)

قرارداد دیگر مربوط بخرید زمین بود ، هر سال ایلخانی وایل بیگی بختیاری (اسفندیار خان سردار اسعد و محمد حسین خان سپهسالار) مبلغ کلانی هم از این بابت پول می گرفتند . قرارداد سوم درباره امنیت حوزه نفت بسته شد ، بموجب این قرار داد يك خانزاده با پنجاه تفنگچی بعنوان پاسدار در منطقه نفتی گمارده شدند و ضمن اینکه تمام مخارج آنها بعهده شرکت نفت بود ایلخانی سالی سه هزار لیره نیز از این بابت دریافت میکرد (۲) . (این رسم تا ۱۳۰۹ ش دوام داشت) .

۱- بعدها سهام شرکت نفت بختیاری را خود شرکت نفت خریداری کرد.

۲- ص ۲۶۱ تا ص ۲۶۴ پنجاه سال نفت ایران

بهر حال شرکت نفت ایران و انگلیس که صاحب تمام امتیازات قبلی و فرمانروای مطلق نفت ایران شد، ناچار بود محیط را برای کار خود مساعد کند. درین میان وزارت دریا داری انگلستان هم برای تأمین سوخت بحریه عظیم خود مقدار کلی از سهام شرکت را خریداری نمود و نفوذ سیاسی و نظامی انگلستان نیز پشتیبان شرکت گردید.

در ۱۹۰۹ شرکت بفکر ایجاد پالایشگاه در صحرای آبادان (عبادان) افتاد، در اینوقت شیخ خزعل حکمران تامالاختیار خوزستان بود، او یک میل مربع از اراضی آبادان را بشرکت فروخت و تا وقتی که قدرت حکومت مرکزی در خوزستان مستقر نشده بود سالیانه مبلغی باسم حق الحفظ آبادان باج میگرفت.

پالایشگاه آبادان در ۱۹۱۲ با تمام رسید، در همین سال نخستین محصول نفت جنوب بمقدار چهار و سه هزار تن بشکل نفت خام صادر گردید، این رقم در ۱۹۱۴ دوست و هفتاد و چهار هزار تن شد، در جنگ اول شرکت کمک مهمی بعملیات جنگی انگلیسها نمود و یکی از عوامل پیروزی متفقین بشمار میآمد.

در زمان جنگ اول دولت انگلستان طبق قانون مصوب مجلس مبعوثان قسمتی از سهام شرکت نفت را خریداری کرد و قراردادی بین دولت انگلستان و شرکت منعقد گردید، از این تاریخ دولت انگلستان رسماً بر کار شرکت نظارت جست و نفوذ خود را بیشتر کرد (۱).

اولین چاه نفت که در زمان داری در مسجد سلیمان حفاری شد سالها است که متروک مانده و اکنون با متع حفاری و لوازم مخصوص

خود بصورت موزه درمسجد سلیمان نگهداری میشود .

باید دانست که استخراج نفت قبل از این تاریخ نیز مورد نظر انگلیسها بوده و در فصل یازدهم قرارداد رویتز (که در جزوه اول مورد بحث بود) مورخ ۱۲۸۹ قمری (۱۸۷۲ م) حق استخراج منابع و نفت باسم « پترویل » به « بارون ژولیس رویتز » داده شده و در ۱۳۰۱ ق (۱۸۸۴ م) هم يك شركت انگلیسی بنام « هوتز » استخراج نفت « دالکی » را تحصیل کرد که بعداً بشرکت واگذار شد .

باری بحث درباره منبع عظیم نفت و تأثیر شگرف آن در اقتصاد و سیاست ایران و آبادی خوزستان خارج از موضوع جزوه های رهبران مشروطه میباشد اما چون این جزوه بیوگرافی عاقد قرارداد داری است این تحقیق اجمالی لازم مینمود .

دنباله بیوگرافی :

مظفرالدین شاه سفر دوم فرنگستان را هم رفت و با پول قرض ، رجال ! کشور هم استفاده بردند و هم تفریح کردند ، فشار سیاسی و اقتصادی که تأثیر قرضه ها بود روز بروز محسوس تر میشد . مسیونوز وزیر گمرک بکلی در اختیار دولت روس درآمده و قرضه های پی در پی وجهه اتابک را خراب کرده و عدم رضایتی ایجاد کرده بود .

انگلیسها اوضاع ایران را از نظر سیاست خود بسیار بد تشخیص دادند و میدانستند اتابک نفوذ سیاسی روسیه را در ایران بطوری گسترده که جائی برای انگلستان باقی نمانده است ، نگرانی انگلیس از نامه لرد کرزن فرمانروای هندوستان که در آن اوقات نگاشته بخوبی آشکار میباشد ، قسمتی از آن نامه : « صدراعظم ایران اتابک برضد ما است ،

چون از زمانی که تبعید شد ما اورا بکلی رها کردیم و گذاشتیم روسها دومرتبه اورا روی کار بیاورند». (۱)

کم کم تحریکات مستقیم و غیرمستقیم انگلیسها شاه را از اتابک ناراضی نمود، غرور و اظهار شخصیت اتابک در برابر شاه باین نارضایتی میافزود تا آنجا که درصدد تغییر او برآمد، اما اتابک با کمک روسها و با حمایت طرفداران مؤثر و با نفوذش شاه را منصرف کرد و برای جلب رضایت او موجبات قرضه سوم را فراهم آورد. (۲)

چون گرفتن قرض از هردولت دیگر با مفاد قراردادهای قرضه ایران و روسیه منافات داشت از بانک شاهی مبلغ دویست هزارلیره به عنوان مساعدت برای مدت بیست سال با سود صدی پنج وام گرفتند و محل استهلاك آن را از عایدات ماهی ایران و در صورت عدم تکافوی عایدات ماهی، از عایدات پست و تلگراف تعیین نمودند (۳).

این پول هم دردی دوا نکرد و لوطی خور شد، دولت انگلیس که مصمم باستقرار کامل نفوذ خود بود نمیتوانست حکومت اتابک و وزارت گمرک «نوز» را که بکلی آلت دست روسها شده بودند تحمل کند، «هاردینگ» وزیر مختار انگلیس «سفری بخلیج فارس رفت، موضوع عزل اتابک و برکناری نوز از مسائلی بود که در میان او ولرد کرزن فرمانروای هندوستان مطرح شد «هاردینگ» پس از سفر خلیج باتفاق جرج چرچیل وابسته سفارت بغداد رفت، متعاقب همین مسافرتها بود

۱- ص ۱۷۵۷ ج ۶ روابط ایران و انگلیس در قرن ۱۹.

۲- ص ۲۵۰ خاطرات سیاسی. ۳- ص ۳۸۸ عصری خبری.

که تنی چند از علمای نجف اتابك را تكفیر کرده و تلگرافهایی مبنی بر ثبوت خیانت و لزوم برکناری او بایران مخابره گردید (۱) نا رضایتی شدید انگلیسها ، تكفیر اتابك از طرف علماء نجف ، انتقاد مردم از قرضه های پیاپی و تظاهرات ضد اتابك ، انتشار شب نامه های شدیدالحن ، بالاخره سعایت اطرافیان شاه و بی اعتنائی اتابك ببعضی از اوامر شاه موجباتی بود که منجر بعزل او گردید (رجب ۱۳۲۱ ق) و برخلاف سنت دیرین پادشاهان قاجار که هیچوقت مقام صدارت و زمامداری را بقاجاریه نداده بودند ، مظفرالدین شاه ، عبدالمجید میرزا (عین الدوله) نوۀ فتحعلیشاه و داماد خود را بصدارت ایران برگزید . عین الدوله نیز مردی باهوش وقوی بود ولی تدبیر و حسن سلوك و سخاوت اتابك را نداشت .

اتابك پس از يك ملاقات طولانی با سفیر روس ترتیب کارهای خود را داده در میان تجلیل و مشایعت رجال و روحانیان و اطرافیان خود ، خاك ایران را بقصد زیارت خانه خدا و مسافرت و سیاحت آسیا و اروپا ترك كرد ، ولی نفوذ و تحریكات اوهرگز قطع نشد .

عین الدوله کابینه خود را تشکیل داده شروع بکار نمود ، مشیرالدوله بواسطه حسن سلوك و خوی اطاعتی که داشت با آنکه ازدست پروردگان اتابك بود همچنان در وزارت خارجه باقی ماند .

عین الدوله ، که لقب اتابك اعظم نیز گرفت ، در آغاز کار با روشنفکران روی خوش نشان داد ، ورود روزنامه های حبل الممتین و

ثریا آزاد کرد ، سید حسن برادر مؤید الاسلام را از زندان مبارك آباد نجات داد ، شیخ یحیی کاشانی نویسنده مقالات ضد قرضه حبل المتین را که در اردبیل محبوس بود آزاد نمود و برای اصلاح مالیه و تصفیه دربار تصمیم ها گرفت و چون مملکت مقروض و خزانه تهی بود و قرضه دیگری هم ممکن نمیشد ، باصوا بدید شاه بر آن شد که از صاحبان مقاماتی که همه جور استفاده میکردند مبالغی بعنوان پیشکشی بگیرد و باینوسیله هم پول جیب شاه را تأمین کند و هم وجهی بمصرف امور جاری برساند .

اول رقمی که عاید عین الدوله شد سی هزار تومان پیشکشی شوکت الملك بود که برای بدست آوردن حکومت قائنات و خوردن ارثیه برادرش تقدیم کرد (۱) از آن پس با کمک ناصر الملك وزیردارائی برای وصول مالیاتهای معوقه و تمرکز درآمدها اقداماتی کرد ، از روحانیان شیخ فضل الله نوری بیشتر مورد احترام عین الدوله بود و دعاوی مهم را بمحکمه اورجوع مینمود ، بهمین مناسبت نفوذ شیخ بالا گرفت و این امر باعث کدورت سید عبدالله بهبهانی گردید .

در این اوقات کشمکش در میان طلاب مدرسه محمدیه و آصفیه با طلاب مدرسه صدر روی داد ، در اثر این حادثه که از اختلاف بین امام جمعه و بهبهانی ریشه میگرفت ، عدهائی از طلاب مجروح و زخمی شدند ، حکومت طهران بصددستگیری محرکان حادثه برآمد و بدستور عین الدوله چهارده نفر طلبه و دستگیر و با خفت باردبیل تبعید شدند ، بهبهانی شفاعت کرد ولی عین الدوله گفت « من برای نظم مملکت این کار را

کردم و تابع میل آقا نیستم» (۱) این نخستین حادثه حکومت عین الدوله بود که افکار را علیه او برانگیخت و جمعی از بازاریان چندی در حضرت عبدالعظیم متحصن شدند.

پس از این حادثه بهبهانی و صدر الاسلام علیه عین الدوله متحد شدند و سید محمد طباطبائی روحانی پاك ضمیر با بهبهانی هم پیمان شد. در این اوقات عین الدوله برای ترضیه خاطر شاه موجبات سفر سوم او را بفرنگستان فراهم میکرد و برای اینکار بتهیه پول و باج گرفتن از زورمندان مشغول بود. یکی از ارقام قابل توجهی که وصول کرد از مشیر الدوله بود، باین ترتیب که پرنس ارفع الدوله سفیر ایران در روسیه در تابستان سال ۱۳۲۲ که در طهران مرض و باشایع بود از طرف شاه احضار گردید (۲)، پرنس ارفع هر چه عذر آورد قبول نشد، ناچار بطهران آمد، عین الدوله با صوابدید شاه بمشیر الدوله پیغام داد که، پرنس ارفع برای تصدی وزارت خارجه آمده و صد هزار تومان میدهد من چون با تو دوست هستم اگر صد هزار تومان را خودت بدهی شر پرنس ارفع را میکنیم، مشیر الدوله که مقام وزارت امور خارجه برای او پیش از اینها قیمت داشت با صوابدید دو فرزندش (حسن و حسین پیرنیا) فوراً صد هزار تومان به تجارتخانه تومانیان در وجه عین الدوله حواله داده مقام خود را حفظ کرد (۳)، و امیدوار بود که

۱- ص ۱۳۲ تاریخ بیداری ایرانیان، ص ۳۷۳ انقلاب مشروطیت

ایران. ۲- ص ۴۴۰ تاریخ ارفع الدوله دانش

۳- تجارتخانه تومانیان بزرگترین صرافخانه طهران بود و همه گونه معاملات استقراضی انجام میداد و کارهای مالی مشیر الدوله در آنجا متمرکز بود.

این زیان را از راه مداخل جبران نماید .

عین الدوله بیست هزار تومان سهمی خود را برگرداند و هشتاد هزار تومان را به شاه تقدیم کرد ، اما مشیرالدوله کینه عین الدوله را در دل گرفت و پنهانی با مخالفان او همکاری نمود ، پرنس ارفع هم از استفاده های خود مبلغی تقدیم کرده مراجعت نمود (۱) .

در این اوقات عکسی از «مسیو نوز» وزیر گمرک ، که در « بالماسکه » شب کریسمس در لباس روحانیت گرفته بود ، بدست سید عبدالله افتاده این عکس وسیله بهانه تظاهرات دامنه داری شد و چون مرکز تحریک در بازار بود «نوز» برای کینه توزی نسبت به بازار گانان سختگیری آغاز کرد ، بازار گانان در مجلسی که با حضور عین الدوله و سعدالدوله وزیر تجارت و نوز تشکیل شد تعدیات مأموران گمرک را اثبات کردند ولی نوز بآنها فجاشی کرد و عین الدوله هم موضوع را بمسامحه گذرانید .

در میان همین کشمکش ها سفر سوم شاه در دوم ربیع الثانی ۱۳۲۳ با همت عین الدوله آغاز شد و مشیر الدوله علاوه از وزارت خارجه سرپرستی وزارت داخله را هم بعهده گرفت (۲)

محمد علیمیرزا در غیاب شاه آرامش مملکت را حفظ کرد و به منزل بهبهانی رفته مبلغی تقدیم نمود و از او قول گرفت که مانع اغتشاش

۱- ص ۱۱۵ - انقلاب ایران ص ۲۹ ج دوم حیات یحیی . ص ۵۵۱ تاریخ بیداری .

۲- ص ۷۰ تاریخ بیداری ص ۸۹ عین الدوله و رژیم مشروطه .

وبلواشود ، همینطور هم شد ، بالاخره مسافرت شاه در ماه شعبان ۱۳۲۳ خاتمه پذیرفت .

در همین ایام که خبر شکست روسیه از ژاپن قدرت آن دولت را متزلزل کرده بود ، وطنخواهان و اصلاح طلبان که از تعدیات روسیه تزاری بستموه آمده بودند هماهنگ شده و برای مخالفان دولت موقعیت مناسبی پیش آمد .

سید محمد وسید عبدالله در مساجد و مجالس مطالبی برای بیداری مردم ایراد میکردند ، واعظان بیدار دل تند و بی پروا از کارهای دولت انتقاد میکردند .

در این اوقات بواسطه جنگ روس و ژاپن قند در طهران نایاب شد ، بازرگانان طماع قند را احتکار کرده بودند ، مردم شکایت کردند علاءالدوله حاکم طهران بازرگانان را احضار کرده وسید هاشم قندی و حاج سید اسمعیل و پسر سید هاشم را چوب مفصلی زد و مأموران دولت قندهای احتکار شده را بیرون ریختند . این حادثه بهانه‌ئی بدست مخالفان دولت داد .

فردای آنروز (۱۴ شوال ۱۳۲۳) بازار و دکان طهران تعطیل شد و مردم در مسجد شاه جمع شدند ، گروهی از علما نیز با مردم همصدا شده عزل علاءالدوله را خواستار گردیدند .

امام جمعه برای جلب مخالفان اقدامات زیادی کرد و بحیل‌های چندمتوسل گردید ولی چون ثمری نبخشید سختگیری دولت زیادتر شده منجر بمهاجرت طباطبائی ، بهبهانی وسید جمال افجّه و صدرا العلما و جمعی از روحانیان بحضرت عبدالعظیم گردید ، بهواخواهی علما از طرف مردم

تظاهراتی آغاز گردید، بازار تعطیل شد و گروهی از طلاب نیز بحضرت عبدالعظیم رفتند، هر روز بر تعداد متحصنان افزوده میشد و نطق و خطابه‌های مهیج و پر شور مردم ناراضی را بضد دولت تحریک میکرد، مخالفان عین الدوله برای تهیه مخارج این جمعیت کمک میکردند، پولهای هم بوسیله عمال اتابک و سالار الدوله و مشیر الدوله و رکن الدوله میرسید از طرف سفارت انگلستان هم محرمانه کمک میشد بیشتر این پولها زیر نظر حاج محمد تقی و حاج حسن بنکدار بمصرف میرسید، و مقداری هم مستقیماً بین آقایان قسمت میشد. مقصود عمده متحصنان عزل علاء الدوله و عزل مسیو نوز و برقراری عدالتخانه بود، عین الدوله با انواع وسایل تهدید و تطمیع و وعده و وعید متمسک شد نتیجه نبخشید بالاخره پس از یک ماه تحصن شاه بمستدعیات آنان جواب مساعد گفته وعده تشکیل عدالتخانه داد و روز جمعه ۱۶ ذیقعه ۱۳۲۳ آقایان با احترام بسیاری بطهران باز گشتند.

ماهها گذشت و از تأسیس عدالتخانه خبری نشد، روحانیان از شاه و عین الدوله وفای بعهد خواستند، شاه بنامه علما پاسخ نداد، بهبهانی نامه‌ئی بسفیر انگلیس نوشته از او استمداد کرد (۱).

سفارت انگلیس و روس در این جریانات بیکار نبوده هم تحریکات میکردند و هم پولهای بمصرف میرسانیدند (۲).

۱- در جزوه ششم چگونگی روابط بعضی از سران مشروطه با سفارت انگلیس توضیح داده خواهد شد. ۲- ص ۳۵۸ تاریخ بیداری.

کم کم انجمنهای سری و غیر سری تشکیل شد و بفعالیتهای سیاسی پرداختند، در برابر اینها دولت هم با سختگیری تمام مشغول کار بود، میرزا حسن رشیده و مجدالاسلام کرمانی و میرزا آقا تاجر، که تبلیغات تندى علیه دولت داشتند، بکلات تبعید شدند (۱).

اما احساسات پاك و تندى كه برانگیخته شده بود باین زودى خاموش نمیشد، بخصوص كه سیاست انگلستان در تحريك و تقویت مخالفان دولت میکوشید و میخواست از این حوادث برای برانداختن آثار نفوذ و قدرت روسها و تضعیف قاجاریه حداکثر استفاده را ببرد (۲).

روز ۱۸ جمادى الاولی زد و خورد دیگری بین طلاب و سربازان روی داد، مردم رشیدانه بحمايت طلاب برخاستند و بر اثر تیراندازی سربازان و قتل دو طلبه بنام سید عبدالحمید و شیخ محمد و مجروح شدن طلبه دیگر بنام ادیب المجاهدین، شهر دستخوش انقلاب گردید و دكانها بسته شد. مردم گروهها گروه بسوی مسجد جامع روانه شدند، طباطبائی و بهبهانی و شیخ فضل الله و سایر علما گرد آمدند و مصراً تشکیل عدالتخانه و عزل عین الدوله را خواستند.

روز بیستم جمادى الاولی مجلس ترحیم سید عبدالحمید برپا شد، شهر غرق در غزا و تعطیل بود دستههای سینه زنی حرکت کرد، سربازهای دولتی بفرماندهی نصر السلطنه (سپهدار تمکابنی) مراقب اوضاع

۱- ص ۲۷۵ انقلاب مشروطیت ایران ص ۳۶۳ تاریخ بیداری ایرانیان

۲- صفحه ۲۶۱ ج ۱ انقلاب مشروطیت ایران.

شهر بودند ، بالاخره بین مردم و سر بازان تصادم شدیدی روی داد و بیش از صد و بیست نفر کشته و زخمی شدند (۱) . خشم عمومی برانگیخته شد و روز ۲۴ ج ۱ - طباطبائی و بهبهانی و سید جمال افجه با جمعی از روحانیان طهران را بقصد قم ترك گفتند . بهبهانی هنگام حرکت نامه دیگری بسفیر انگلیس نوشت و ادامه مساعدت دولت انگلیس را درخواست کرد و جواب مساعدی از سفارت برای او رسید ! بهمین دلیل در کهریزك به بازار گانان و طالبی که برای مشایعت آمده بودند دستور داد در سفارت انگلیس متحصن شوند ! (۲) دو روز بعد شیخ فضل الله هم بسوی قم حرکت کرد و در حسن آباد قم بآقایان ملحق شد .

شب ۲۴ جمادی الاخره نفر بازار گان بدستور بهبهانی و با آمادگی و موافق قبلی سفارت انگلیس (۳) در سفارت متحصن شدند ، شارژ دافر سفارت برای صحنه سازی دیپلماسی بمشیر الدوله وزیر خارجه پیغام داد : عده ئی در سفارت متحصن شده اند جلو گیری کنید ! مشیر - الدوله که نقش دو جانبه را درین میان بازی میکرد و از وقایع پس پرده خبر داشت عمداً مسامحه نمود و بهمان دلیل هشتاد هزار تومان پولی که داده بود تزلزل کار عین الدوله را خواستار بود (۴) .

روز بعد دو نفر عضو سفارت عباسقلیخان نواب و میرزا یحیی خان به پناهندگان یاد دادند که عده ئی از طلاب راهم بیاورند و مقصود

۱- ص ۴۱۰ تاریخ بیداری . ۲- ص ۴۲۴ تاریخ بیداری ایرانیان .

۳- ص ۵۴۸ ج ۱ تاریخ ایران . ۴- ص ۳۴۲ تاریخ بیداری .

خود را بزرگ کنند ، سید محمد تقی محرر بهبهانی که برای همینکار در طهران مانده بود با گرفتن مقداری پول جمعی از طلاب طرفدار بهبهانی را بسفارت آورد (۱) کم کم بزازها و صرافها هم دکانها را بسته بسوی سفارت روانه شدند ، اعضاء انجمن های مخفی و گروه دیگری از طلاب و مردم نیز بآنان پیوستند ، هر صنف در چادرهای جداگانهائی که قبلاً در باغ سفارت برپا شده بود پذیرائی میشدند .

عین الدوله دستور داد نظامنامه تأسیس عدالتخانه را نوشته ضمیمه فرمان شاه در روز نامه ایران منتشر کردند و بسفارت برای متحصنان بردند ، ولی ریشه تحریکات چندان قوی بود که تدبیر عین الدوله اثر نکرد ، هر روز تعطیل عمومی دامنه دارتر میشد ، پناهندگان به پنج هزار نفر رسیده و عزل عین الدوله را میخواستند ولی در سفارت بآنها تلقین شد که « مشروطه بخواهید والا ممکن است عین الدوله حال اعزل شود و چند ماه دیگر بر گردد » ، متحصنان سفارت تلگرافى بپادشاه انگلستان مخابره نمودند و جوابی هم مبنی بر دلسوزی و مساعدت بآنها رسید و دستورهایى بسفارت داده شد که بیشتر امیدوارشان کرد (۲) علمای آذربایجان هم تلگرافهایى بمظفرالدینشاه مخابره و انجام تقاضای پناهندگان را استدعا کردند ، نواب و میرزا یحیی خان رابط بین مقامات سفارت و پناهندگان بودند و میخواستند از احساسات پاك مردم استفاده سیاسى کنند . حسینقلیخان نواب رئیس اداره دول غیر همجوار (برادر عباسقلیخان) هم در این تحریکات دشت داشت .

۱- ص ۴۳۳ تاریخ بیداری .

۲- ص ۴۵۲ و ص ۴۷۹ تاریخ بیداری ایرانیان .

هر روز دامنه تظاهرات توسعه می‌جست ، زنانی که شوهرانشان در سفارت پناهنده بودند بصدد تظاهر برآمدند ، در قم هم جمعیت روحانیان زیاد شد ، از بعضی شهرها گروهی بیاری آنان شتافتند و احساسات عمومی برانگیخته شد ، سید عبدالله بوسیله سفیر انگلیس با پناهندگان سفارت در تماس بود ، قرار بود مشیرالدوله از طرف شاه به قم برود ، در اینوقت ولیعهد از تبریز بشاه تلگراف کرده اورا سرزنش نموده گفت « برای خاطریك نفر (یعنی عین الدوله) نمیتوان ملتی را از بین برد . » و موافقت با تقاضای علما را جداً درخواست نمود .

تلگراف ولیعهد مؤثر افتاده بدستور شاه روز نهم جمادی الاخر عین الدوله مستعفی شد و بمبارك آباد رفت و مشیرالدوله که نقش میانجی بین دولت و مخالفان را داشت بمقصود رسید و بمقام ریاست وزرائی نائل گردید و فوراً تلگرافی بآقایانی که به قم مهاجرت کرده بودند مخابره کرد و از طرف اعلیحضرت وعده تشکیل مجلس شورا بآنها داد و نیز در سفارتخانه انگلیس حاضر شده عین فرمان شاه را مبنی بر اعطای مشروطیت برای مردم قرائت کرد ، در سفارت عده‌ئی حاضر بترك تحصن نشده میخواستند سفارت انگلیس اجراء دستخط و تشکیل مجلس را تضمین کند ، مشیرالدوله دو دستخط دیگر در باره تنظیم نظامنامه مجلس وعفو و اغماض از تقصیر آشوبگران از شاه گرفته بوسیله میرزا حسنخان مشیرالملک بسفارت فرستاده برای آنان قرائت شد و با علما تماس گرفته آنها هم تلگرافی دستور ترك تحصن بمردم دادند ، حسن نیست و سلامت نفس مشیرالدوله در این اوقات خیلی مفید واقع شد و پس از یکی دو هفته مهاجرین بطهران باز گشتند و بیشتر

پناهندگان از سفارت خارج شدند و تبعید شدند گان زمان عین الدوله آزاد گردیدند، در مراجعت آقایان از قم تجلیل باشکوهی از آنان بعمل آمد و طباطبائی و بهبهانی بجلو سفارت رفته بقیه متحصنان را خارج کردند (۱) روز ۲۷ ج ۲- ۱۳۲۴ مجلس در مدرسه نظام با حضور پانصد نفر از علما و وزرا و رجال و شاهزادگان و دوهزار نفر تماشاچی تشکیل شده پذیرائی مفصلی بعمل آمد، عضدا الملك بنمایندگی شاه مجلس را افتتاح کرد و مشیر الدوله لائحہ ئی قرائت کرد و وعده داد که قواعد انتخابات و نظامنامه مجلس بزودی تهیه شود، شیخ مهدی سلطان المتکلمین از طرف ملت لائحہ تشکر آمیزی ایراد نمود.

چند روز بعد در عمارت کاخ گلستان، مجلس سلامی برپا شد و شاه ناتوان و مریض را روی صندلی بمجلس آوردند، عده زیادی از رجال و نمایندگان سیاسی حضور داشتند، نظام الملك لائحہ شاه را که بمنزله اعطای آزادی و حق انتخابات و تشکیل محاکم داد گستری و حمایت از حکومت مشروطه بود قرائت کرد.

شاه در تمام مدت اشک شوق در چشم داشت و از اعطای حقوق قانونی بمردم بسیار خشنود بود.

نظامنامه انتخابات با سعی مشیر الدوله و میرزا حسنخان مشیر- الملک و صنیع الدوله تکمیل و در ۲۲ رجب ۱۳۲۴ بمو شیخ شاه رسیده در طهران جشن و چراغانی باشکوهی برپا شد، شاه در اوائل ماه شعبان

از صاحبقرانیه بطهران آمد و بیاس عدالتپروری ، مردم از وی تجلیل
بی سابقه و پرشکوهی نمودند .

بالاخره انتخابات تهران انجام شد و روز ۱۸ شعبان ۱۳۲۴ در تالار گلستان
با حضور شاه و رجال و شاهزادگان و علما و نمایندگان سیاسی برگزیدگان
ملت جمع شدند و مورد تفقد شاه قرار گرفتند ، شاه نطق پر احساسی
که نشانه حسن نیت و پاکی قلب او بود ایراد کرد ، این مجلس از با
شکوهترین مجالسی است که تاریخ قرن اخیر ایران بیاد دارد ، فردای
آن روز مجلس تشکیل جلسه داد ، صنیع الدوله ریاست مجلس و وثوق
الدوله به نیابت ریاست انتخاب و اعضاء شعب هم تعیین گردیدند و بعد
نظامنامه داخلی مجلس تدوین شد و مجلس کار خود را آغاز کرد .

مظفرالدینشاه در ۲۴ ذی قعدة ۲۴ فوت کرد و محمد علیشاه بجای
او نشست ، در اولین کابینه محمد علیشاه ، مشیرالدوله رئیس الوزرا و کامران
میرزا وزیر جنگ بمجلس نرفتند ، محتشم السلطنه معاون رئیس الوزاره
وزیران را معرفی کرد ، مجلس به نیامدن آن دو نفر اعتراض
نمود و رفتار آنان را توهین آمیز تلقی کرد . در این اوقات محمد علیشاه
با تحریکات افراد و عناصری که در مجلس و خارج از مجلس بعقیده
شخصی یا بدستور سیاستهای خارجی بوی اهانت میکردند روبرو شد ،
مسئله متمم قانون اساسی هم مطرح بود که حدود وظائف قوای مجریه
و قضائیه و همه مقامات را می بایست تعیین کند ، مجلس در این کار
شتابزده بود ، شاه هم میخواست تکلیف خود را با مجلس و تحریکاتی
که علیه او میشد روشن نماید ، بهمین مناسبت تصویب متمم قانون

اساسی را گرو کشیده بود ، در این ایام شاه بمشیرالدوله مظنون شد ، زیرا رفتار و کردارش طوری بود که در تمام اختلافات میخواست جانب هر دو طرف را رعایت کند تا موقعیت خود را حفظ نماید و آن قدرت را هم نداشت که بر مشکلات فائق آید ، شاه تصمیم باحضر اتابک گرفت و مشیرالدوله استعفا کرد (محرّم ۱۳۲۵ق) و برستم آباد شمیران رفت و دولت بسرپرستی وزیر افخم (وزیر داخله) زمام امور را بدست گرفت .

اتابک در ماه ربیع الاول وارد طهران شد ، مشیرالدوله بدیدن او رفت و پای اتابک را بوسید ، مخبر السلطنه در کتاب خاطرات و خطرات گفته است « اتابک مشیرالدوله را برای وزارت خارجه دعوت کرد زیر بار نرفت ! » هنوز از دوران زمامداری اتابک چندی نگذشته بود که مشیرالدوله در گذشت و در امامزاده صالح مدفون شد ، شایعه‌ئی مبنی بر مسمومیت او بر سر زبانها افتاد ، مجلس هم در اینخصوص گفتگو کرد ، سن مشیرالدوله نزدیک هفتاد سال بود .

چهره واقعی مشیرالدوله

مشیرالدوله یازدهمین وزیر خارجه ایران و نخستین صدر اعظم زمان مشروطه مردی زیرک ، رازدار ، سلیم النفس مطیع با پشتکار و نوکر مآب بوده و تحصیلات مختصری داشته و تاحدی تجدد خواه بوده است .

از فرصتها و مقامها با کمال احتیاط استفاد کرده زیرا هم با امانت

و درستی معروف شده و هم در مدت نسبتاً کوتاهی از تهیدستی و ماهی ۱۵ قران حقوق صاحب کورورها ثروت گردیده، بدیهی است چنین سرمایه‌ئی فقط از راه حقوق و صرفه جوئی بدست نیامده بلکه از طریق «مداخل» فراهم شده، از قرارداد دادرسی نیز استفاده سرشاری برده است.

مشیرالدوله دانش دوست بود و بوضع قوانین هم علاقه داشت مشروطه و آزادی افکار را بحد مشروط و محدود قبول داشت ولی بمشروطه واقعی یعنی حکومت ملی معتقد نبود. چنانکه در جلسه‌ئی که با حضور سعدالدوله و جمعی از وکلا در منزل او تشکیل شده و بکارهای دولت ایراد می‌شد، صریحاً گفت این حرفها ب وکلا مربوط نیست، وقتی سعدالدوله پاسخ داد «مگر ما حکومت مشروطه نیستیم؟» جواب داد «شروطه هم نیستید، دولت بشما يك مجلسی داده است که بنشینید و قانون وضع کنید،» در آغاز تنظیم نظامنامه هم اصرار داشت که بجای «مجلس شورای ملی» «مجلس شورای اسلامی» نوشته شود. (۱)

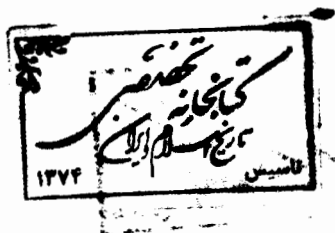
مشیرالدوله با مشروطه خواهان مسالمت کرد و علیه عین‌الدوله بدلیل همان عقده‌ئی که داشت پنهانی اقداماتی نمود و بخوبی توانست در بین کشمکش دو گروه وجاهت ملی خود را حفظ کند و مشروطه خواهان را یاری نماید.

مشیرالدوله بواسطه متظاهر بودن بآداب دیانت و کم آزاری و

۱- صفحه ۲۳۰ انقلاب مشروطیت ایران ص ۴۶ تاریخ اوایل انقلاب

مشروطیت ایران. ۵۵۱ تاریخ بیداری ایرانیان.

خوش قلبی و حسن سلوك ، بامردم به نیکی معروف شده است .
 تمام قرضه های سنگین زمان مظفر الدینشاه در زمان وزارت
 خارجه او انجام شد. کار نیک و خدمت مهم او افتتاح مدرسه علوم سیاسی
 است ، در تنظیم نظامنامه انتخابات هم کوشش کرده و فرمان مشروطه
 نیز بوسیله او بملت ابلاغ شده و باعث نیکنامی او گردیده است ،
 در باره دو فرزند او میرزا حسنخان و میرزا حسینخان «پیرنیا» که
 از رجال نیکنام ایران میباشند در جزوه های آینده تحقیقات جالبی
 خواهیم داشت .
 اسفند ماه ۱۳۴۲



کتاب

